

۹۳/۴/۱

• دریافت

۹۴/۸/۱۸

• تأیید

قالب، زبان و مضمون شعری در ادبیات کودک کشور ایران و الجزایر

مریم جلالی *

چکیده

امروزه ادبیات کودک و جایگاه آن در مجموعه موضوعات ادبی، توجه بسیاری از ادیبان و ادب پروران این حوزه را به خود در جهان جلب کرده است. در ادبیات کودک و نوجوان، ایجاد لذت از متن مقدمه ایجاد ارتباط نویسنده یا شاعر با کودک است. در این میان شعر به دلیل آهنگین بودن و ایجاد لذت شنیداری، برای خردسالان و کودکان جذابیت دارد. کتاب های شعر کودک، نه تنها در ایران بلکه در دنیا، مخاطبین بسیاری دارد و پرداختن و توجه به شعر، میان خالقان اثر و جهان کودکان تعمیم پیدا کرده است. ادب پروران کشور الجزایر همچون شاعران و نویسندگان کشور ایران در نیم قرن اخیر به شکل جدی به ادبیات کودک و نوجوان به خصوص، به شعر کودک توجه داشته اند و تا کنون مجموعه های بسیاری از اشعار کودک در این دو کشور چاپ و منتشر شده است تا در اختیار مخاطبین قرار بگیرد. در این مقاله با توجه به گسترش حوزه ادبیات کودکان در جهان، به منظور مقایسه کیفی کاربرد شیوه ها و عملکرد شاعران شعر کودک در دو کشور ایران و الجزایر، نمونه هایی از اشعار را انتخاب کرده ایم، سپس آن را از منظر قالب های شعری، زبان گفتاری و نوشتاری و مضامین مورد قیاس قرار داده و شباهت ها و تفاوت های احتمالی موجود را سنجیده ایم. یافته ها نشان می دهد، شعر کودک در دو کشور الجزایر و ایران با توجه به قالب، کاربرد زبانی و مضامین، وضعیتی نسبتاً مشابه دارد.

واژگان کلیدی:

تطبیقی، ادبیات کودک، شعر، الجزایر، ایران.

مقدمه

پرداختن به مفهوم کودک و کودکی، سبب شده است که دریچه ای تازه به کشف کیفیت ها و ویژگی های عصر حاضر گشوده شود و بسیاری از کشورهای توسعه یافته را برآن داشت تا با استفاده از یافته ها و دیدگاه های تازه، نیازها و خواسته های کودک و نوجوان را جزو اولویتهای جامعه قرار دهند و امکانات گسترده و مناسبی را در اختیار کودکان بگذارند.

در نخستین تعریف رسمی از مفهوم کودکی، کودک، انسانی معرفی شد که به لحاظ سنّی، در گروه بزرگسالان قرار نمی گرفت (فاکس، ۱۹۹۵: ۱۲۸). گروهی نیز در جهت مخالف این نظر قرار گرفتند و معتقد بودند که کودکی یک پدیده طبیعی نیست که صرفا در ارتباط با توسعه و رشد فیزیکی باشد (کمبل، ۲۰۰۲: ۵۸). شناخت و تعریف مفهوم کودکی به یک باره روی نداده و نهایی ترین و قانونمندترین تعریف از کودکی توسط یونیسف اعلام شده است. در اولین ماده پیمان نامه جهانی حقوق کودک، به طور عام، یونیسف کودک را کسی معرفی کرد که به لحاظ سنّی کمتر از ۱۸ سال باشد (یونیسف، ۱۳۸۳: ۱).

در واقع ادبیات کودک ثمره درک مفهوم کودکی در جهان مدرن است. ادبیات آینه ای از تراوش ذهن، احساسات درونی و نیازهای آشنا و ناآشنای بشر است و کودکان به عنوان عضوی از جامعه بشری در داشتن آن سهیم هستند. التفات به این موضوع و باور آن سبب پیدایش بانی تازه در بخش تحقیقات و بررسی های علمی شده است و بررسی های تطبیقی نیز از این موارد است. با در نظر داشتن عمر کوتاه این گرایش علمی، بررسی ها نشان می دهد، سیر کلی ادبیات کودک در کشورهای مختلف جهان به یکدیگر نزدیک است و اختلاف اصلی، تنها در زمان بندی این حرکت است. «در کشور های عربی از سال ۱۹۷۹ به بعد ادبیات کودک و نوجوانان به صورت جدی مورد توجه قرار گرفت و آثار مهمی در این رابطه خلق شد» (قرانیا، ۲۰۰۳: ۵). کشور ایران و الجزایر از این ماجرا استثناء نبوده اند. ادبیات

کودک و نوجوان در ایران در سال‌های اخیر رشد چشمگیری پیدا کرده است. با اینکه پیشینه ادبیات کودک در ایران بیش از کشور الجزایر است، بر اساس طرح استقلال سیاسی در این کشور و وضعیت انقلاب اسلامی در ایران، وضعیتی نسبتاً مشابه میان این دو کشور در ادبیات کودک و نوجوان به وجود آمده است. رشد ادبیات کودک در الجزایر پس از رویداد استقلال بود. ادبیات کودک در ابتدا تحت لوای تعلیم و تربیت در مدارس الجزایر نمایان شد و رفته رفته موجودیتی مستقل از شکل مدرسی صرف به خود گرفت و در حال حاضر نیز این سیر در حال تکامل است اما هنوز مانند کشور ایران ماهیت مجزای آکادمیک به عنوان یک گرایش علمی در دانشگاه پیدا نکرده است. در ایران این تحول چند دهه زودتر صورت گرفته است و در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی به رشد صعودی خود ادامه داده و حدود چهار سال است که به عنوان یکی از گرایش‌های رشته زبان و ادبیات فارسی در مقطع کارشناسی ارشد به دانشگاه راه پیدا کرده است.

پیشینه تحقیق: در ارتباط با عنوان مقاله حاضر تا کنون نگاه تطبیقی به ادبیات کودک ایران و الجزایر خصوصا در بخش شعر کودک انجام نشده است، اما به شکل مجزا آثاری وجود دارد که مستقلا ادبیات کودک هر کشور در آن بررسی شده است که آنها را بر می‌شماریم: کتاب من قضايا أدب الأطفال (۱۹۹۴) و کتاب الموضوعات فی شعر الطفولة الجزائری (۲۰۰۱)، به قلم محمد مرتاض است که دیوان المطبوعات الجامعية کشور الجزایر آن را چاپ کرده است. در این دو کتاب به شعر کودک در الجزایر پرداخته شده است. به علاوه از بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار خلاق در میان تحقیق استفاده شده که در منابع نهایی آمده است. در کشور ایران نیز بر روی ساختار شعر کودک معدود مقاله‌ها و کتاب‌هایی نوشته شده است. از جمله مقاله «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد» (۱۳۸۶) مهدی زرقانی (۱۳۸۶) که در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به چاپ رسیده است. به علاوه رضا شجری (۱۳۸۴) در کتاب بررسی و تحلیل ادبیات کودک از آغاز تا دهه

هفتاد به ارائه کلیاتی در خصوص شعر کودک پرداخته است. سید علی کاشفی خوانساری نیز در کتاب گزارش تحلیلی نقد ادبیات کودکان و نوجوانان در سال‌های ۵۸ تا ۷۷ مسائل مربوط به نقد ادبیات کودک و نوجوان را تا سال ۱۳۷۷ بررسی کرده است. سید مصطفی موسوی گرمارودی (۱۳۸۲) در کتاب شعر کودک از آغاز تا امروز ضمن ارائه نمونه‌هایی از شعر کودک و تاریخچه کلی آن نوعی نگاه آسیب شناسانه به موضوع داشته است. پروین سلاجقه نیز در کتاب از این باغ شرقی (۱۳۸۵) نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان را ارائه داده‌اند.

مطالعات تطبیقی، علاوه بر نمایش تضارب افکار و تعامل فرهنگ‌های ملل مختلف نشان می‌دهد که اندیشه‌های آدمیان از یک اصل و بنیان سرچشمه می‌گیرد و به رغم اختلافات فرعی، نوعی خویشاوندی میان انسان‌های جهان وجود دارد (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷)؛ مطالعه و بررسی شعر کودک ایران و الجزایر کمکی برای یافتن اشتراکات میان این نوع از خلق ادبی است که می‌تواند ارزش و اهمیت شعر کودک را به عنوان یک پدیده ادبی مشترک در جهان معاصر نمایان سازد.

روش تحقیق: روش تحقیق بر پایه استناد به مبانی نظری و نمونه‌یابی صورت گرفته است. در این بررسی ابتدا به معرفی شعر کودک با توجه به دیدگاه‌های موجود در دو کشور می‌پردازیم، سپس به روش توصیفی-تحلیلی، قالب‌های ارائه شده شعر کودک در دو کشور را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم و پس از آن به کاربرد زبان گفتار و نوشتار در شعر کودک و مضامین به کار رفته در اشعار دو کشور منتخب، خواهیم پرداخت.

سوال پژوهش: در این پژوهش برآنیم به این سوال‌ها پاسخ دهیم: چه قالب‌های شعری مشترکی در شعر کودک ایران و الجزایر دیده می‌شود؟ زبان گفتار و نوشتار چه نقشی در شعر کودک این دو کشور دارند؟ در شعر کودک ایران و الجزایر چه مضامین مشترکی وجود دارد و با توجه به پاسخ این سوال‌ها آیا می‌توان

به تحلیلی مشترک از قیاس شعر کودک الجزایر و ایران دست یافت؟

شعر در ادبیات کودک ایران و الجزایر

برغیش معتقد است که ادبیات کودک نتیجه ادبیاتی است که بر اساس سن، سطح کودکان و میزان ذوق و فهم آنان باتوجه به عصر و زمانی که در آن زندگی می‌کنند ارائه می‌شود (برغیش، ۱۹۹۷: ۴۰). این پدیده، گاه نوشتاری و گاه گفتاری ارائه شده است و به طور کلی به دو گروه ادبیات رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شود. ادبیات رسمی کودک و نوجوان مجموعه آثار ادبی است که از حیث کمی و کیفی ویژه کودکان و نوجوانان خلق و ثبت می‌شود و ادبیات غیر رسمی شامل تمامی گفته‌ها، نوشته‌ها و سروده‌های ادبی است که رسماً برای کودکان و نوجوانان خلق و ثبت نشده است اما کودکان در استفاده از آن آثار سهیم بودند یا هستند (جلالی، ۱۳۹۳: ۱۴).

از یک منظر متون موجود در ادبیات کودک و نوجوان در زیر مجموعه نظم و نثر قرار می‌گیرد. در بخش منظوم لالایی‌ها، رقص آهنگ‌ها، بازی‌های منظوم، سرودها، چیستان‌های منظوم، ملودرام‌ها و اشعار نمایشی می‌گنجد و در بخش منثور، حکایت‌ها و داستان‌های متنوع واقعی و غیر واقعی و داستان‌هایی از زبان حیوانات، قرار دارد که بزرگسالان آن را به اقتضای نیازهای روحی و سنی کودکان می‌نویسند (زلط، ۱۹۹۰: ۱۲۱). تعبیر عام دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن هر چه در قاموس کودکان می‌گنجد اعم از داستان، نظم، شعر و متن نمایشی نوشتاری و گفتاری، ادبیات کودک معرفی می‌شود (أبوالرضا، بی‌تا: ۲۳-۲۶). معتقدم متون مختص به کودک و نوجوان را در سه گروه متون منظوم، منثور و دراماتیک می‌توان قرار داد.

متون منظوم در ادبیات رسمی کودک و نوجوان جایگاه وسیعی را در ادبیات کودک ایران و الجزایر به خود اختصاص داده است. این نوع ادبی همواره مورد

استقبال گروه کودک و نوجوان خصوصا خردسالان و کودکان قرار گرفته است. شاهد این سخن، چاپ و ارائه مکرر کتاب‌هایی است که در این زمینه نوشته می‌شود و در اختیار کودکان قرار می‌گیرد. از آنجا که محوریت این مقاله شعر کودک در میان ادبیات کودک ایران و الجزایر است ابتدا به تعریف مبانی می‌پردازیم.

شعر کودک بیان موزون و مخیل عاطفه و احساس کودکانه در قالب کلمات است. موسیقی به ادبیات شاعرانه خردسالان و کودکان جلوه می‌دهد و موجبات زیبایی کلام را فراهم می‌سازد. در این میان عنصر تخیل نیز کمک می‌کند تا متن منظوم تبدیل به شعر شود. شعر برای کودک یک حظ و لذت شنیداری و گفتاری ایجاد می‌کند و کتاب کودک باید قبل از آموخته شدن یا در صورت آموخته شدن، سرگرم کننده و لذت بخش باشد.

روشن است که شاعر کودک، تنها برای ارئه ذوق شعری خود یا صرف خلق اثری هنری شعر نمی‌سراید. «شعر کودک» همواره ارکانش را یدک می‌کشد یعنی شعر + کودک؛ بنابراین از یک سو توجه به فرم، قالب و شکل شعری درخور دریافت کودک، مهم است و از سویی دیگر محتوای مناسب است که اثر را مختص به کودک می‌کند. قالب‌های شعری و زبان شعر باتوجه به گفتاری و نوشتاری بودن واژه‌ها در فرم می‌گنجد و مضامینی که در شعر کودک به آن پرداخته شده است در بخش محتوا قرار می‌گیرد. در این مجال به بررسی تطبیقی فرم و محتوای شعر کودک در ایران و الجزایر خواهیم پرداخت.

قالب‌های شعری کودکان

به کار بستن رکن «تغزل و آهنگ» است که متن ادبی مختص کودک را وارد حیطه شعر می‌کند. این رکن پل اصلی ارتباط متن با کودک و مهم‌ترین عامل جذب کودک به سوی نوع ادبی شعر است. این کشش و جذابیت گاه چندان به جان

کودک می‌نشیند که او بی‌اختیار به سوی از برکردن و حفظ شعر می‌رود؛ بنابراین قالب شعری و انتخاب وزن مناسب و دلخواه برای کودکان بسیار اهمیت دارد. قالب در شعر کودک کمی بحث برانگیز است. گروهی قالب شعر کودک را رها و بریده از کلیشه‌های موجود شعری می‌دانند و به هجایی بودن آن تکیه دارند و عده‌ای نیز برای آن، مانند شعر بزرگسال حد و مرز قایلند و شعر کودک را با توجه به قالب‌های موجود در شعر بزرگسالان می‌سنجند. به علاوه تعداد ابیات بدنه شعری در شعر کودکان، بسیار مهم است.

شاعران شعر کودک قالب‌های کلاسیک مانند مثنوی، چهارپاره، قصیده و ترکیب بند به کار گرفته‌اند حتی در این قالب‌ها تغییراتی نیز ایجاد کرده‌اند و قالب‌های سه پاره، پنج پاره و شش پاره ساخته‌اند؛ در اشعار فارسی خردسال و کودک قالب اصلی و پرکاربرد، چهارپاره است. لازم به ذکر است که بهترین قالب برای شعر کودک به دلیل سهل الوصول بودن و سرعت در یادگیری و حفظ شعر فارسی، قالب چهارپاره است:

سلام! سلام / من آمدم / از توی خاک / بیرون زدم // چک چک بیا / با
قطره‌ها / تا گل شوم / در زیر پات (کشاورز، ۱۳۸۶: ۲۵).

از دیگر قالب‌های شعری نیز استفاده شده است. کاربرد قالب مثنوی از این نمونه است:

خدایا، آفتاب و آب از توست / ستاره، آسمان، مهتاب از توست / خدای غنچه‌های
رنگ رنگی / خدای شاپرک‌های قشنگی (کامرانی؛ رحیمی، ۱۳۸۶: ۲۷).

قدمت هنجارشکنی ساختاری در شعر خردسالان و کودکان به ترانه‌های شفاهی کودکانه باز می‌گردد. با این حال بیش از چند دهه از شکل مکتوب آن می‌گذرد. گوش‌هایمان به ترانه «باز باران با ترانه» - با کمی اغماض در شعر کودک بودن - گلچین گیلانی سال‌ها آشناست. برای مثال در نمونه‌ای دیگر اسدالله شعبانی ساختار شکنی را در امتداد و رعایت طول شعر وارد کرده است. او

قالب مثنوی را خرد کرده و شکسته و آن را در نوشتار اجرا کرده است:
شادی خیس شاخه‌ها / کرده جوانه / از دل کوه می‌کشد / لاله زبانه / چلچله‌ها
چه‌چپه را / به باغ دادند / شکوفه‌ها به شاخه‌ها / چراغ دادند (شعبانی، ۱۳۷۹: ۱۰)
در مواردی نیز شکست هنجارها در شعر کودک فارسی پا از عروض خارج کرده
و شکل هجایی به خود گرفته است. به نمونه‌ای اشاره می‌کنیم:
من ابرم / می‌بارم / شرشرشر / نم نم نم / چیک چیک / بارانم / درجای /
می‌مانم (رحماندوست، ۱۳۶۸: ۱۲).

در اشعار عربی خردسالان و کودکان کشور الجزایر از قالب‌های شعری به
صورت متنوع استفاده شده است و کاربرد برخی از قالب‌های جدید نیز در این اشعار
دیده می‌شود اما آنچه مهم است اکثر اشعار موزون و مقفی، عروض یکدست دارند.
به یکی از نمونه‌ها در قالب قصیده اشاره می‌کنیم:
مِحْفَظَتِي حَدِيقَةٌ مُعْطَرَةٌ / وَغَابَةٌ مِنَ الْعُلُومِ مُثْمِرَةٌ / وَجَنَّةٌ لِلْمُعْجَزَاتِ كُلِّهَا / وَغَيْمَةٌ
بِالْأَغْنِيَاتِ مُعْطَرَةٌ / مِحْفَظَتِي يَا حُسْنَهَا جَمِيلَةٌ / جَلِيلَةٌ ثَمِينَةٌ كَالْجَوْهَرَةِ^۱ (دواس،
موقع الکترونی)
نمونه‌ای در قالب قطعه:

تعلّم، تعلّم، تعلّم، تعلّم / فعصرک هذا عصر العلوم / فمن نال علما سما فی البرایا /
و من نال علما سما للنجوم^۲ (طاهری، ۱۹۹۲: ۲).
ساختار شکنی در شعر کلاسیک و ابداع در آن نمونه‌های فراوانی در اشعار
کودکان دارد به آن اشاره می‌کنیم:
معلمتی معلمی / یاخیر لحن فی فمی / یا خیر من علمنی / والعلم زاد المسلم /
علمتی مالم أکن / أعلمه بالقلم / علمنی حب الوری / والصدق فی التکلم^۳ (باویه،
۱۹۸۱: ۱۱).

یا مولد / خیر الانام / یا مولدا / ازال الظلام / یا مولد / للحب و السلام / أنت الضیاء /
للمسلمین / أنت الصفاء / أنت الحنین / یا من بنوره / عم المشرقین^۴ (ریح، ۱۹۹۶: ۲۷).

در سرودن شعر کودک، در نظر گرفتن اهداف خلق شعر، بسیار مهم است و اصلی ترین رکن آن ایجاد لذت برای کودک است. استفاده از قالب مناسب به شاعر کمک می‌کند تا ارتباط نزدیک تری با دنیای کودکان برقرار کند. به نظر می‌رسد شاعران الجزایری در شعر کودک به مرز شعر بزرگسال نزدیک تر هستند و خود را به یک قالب شعری، محدود نکرده‌اند؛ به ابداع و خلق قالب‌های جدید نیز روی آورده‌اند که این نوع قالب‌ها در شعر کودک فارسی کاربرد نداشته است. به علاوه تعداد ابیات در اشعار فارسی و عربی بسیار به هم نزدیک است. میانگین این ابیات در شعر کودک الجزایری بین ۵ تا ۸ بیت است در شعر کودک فارسی گاه به بیش ۱۰ بیت می‌رسد.

زبان گفتاری و نوشتاری در اشعار

در ایران اشعار گروه سنی کودکان و پیش دبستان به دو شکل نوشتاری و گفتاری سروده شده است. اما بیشترین اشعار در زبان گفتاری است. طبیعی است که کودک، زبان آموزی را با زبان گفتاری آغاز می‌کند و با آن مانوس تر است. یکی دیگر از دلایل مهم ترجیح نوع گفتار، این است که کودکان هنوز با فضای مدرسه، آشنا نشده‌اند و طبیعی است که اشعار گفتاری برای کودکان خردسال جذاب باشد زیرا هنوز با ساختار زبان نوشتاری که به نوعی منوط به داشتن سواد خواندن و نوشتن است، آشنایی کامل ندارند به همین دلیل شاعر برای رسیدن به اهداف شعری خود از زبان نزدیک تری به فضای کودکان استفاده می‌کند.

به نمونه‌هایی از این اشعار اشاره می‌کنیم:

نوشتاری: اما چون چرخاندم / این سو، آنسو، سرم را / از آن دوریکباره / دیدم
کبوترم را / پرپر زد باز آمد / بنشست و دانه را دید / آبی خورد چرخ زد / دلشاد دانه
را برچید (رحماندوست، ۱۵: ۱۳۷۶).

گفتاری: بشقاب چینی افتاد / از توی دستم الان / شکست و صد تکه شد / وای

چی بگم به مامان / دروغ بگم؟ نه زشته / می گم که کار منه / آخ اگه دعوام بکنه /
قلب منو می شکنه (قاسم نیا، ۱۲: ۱۳۷۷).

در اشعار الجزایری کودک و نوجوان مانند شعر فارسی، شعر گفتاری (ادبیات شفاهی) و شعر نوشتاری سروده شده است؛ اما شعر گفتاری منحصر به شعر خردسالان نمی شود و به شعر کودکان با توانش خواندن بهتر نیز، راه پیدا کرده است. به نمونه هایی اشاره می کنیم:

نوشتاری: جَدَّتِي يَا وَجْهَ الْخَيْرِ / مَنْ يَرَعَى وَدَّكَ؟ مَنْ غَيْرِي؟ / سَتَظَلِّي أَجْمَلِ
أُغْنِيَةَ / بِلِسَانِي أَنَا طُولَ الدَّهْرِ / فَأَخْكَ لِي حِكَايَاتَ الْمَاضِي / عَنْ وَخْشِ الْعَابَةِ وَالطَّيْرِ^٥
(بدور، ۲/۱۹۹۲: ۱۰).

گفتاری: السبت سيوت / والحد نبوت / واثنان مابين / و الثلاثة مراح / والاربعه
فراح / والخميس سراح / و الجمعة عيد المسلمين^٦ (سعیدی، ۱۹۹۸: ۴۶).

کاربرد زبان گفتاری در اشعار خردسال فارسی، عادی است و عمومیت دارد و در کتاب ها نیز به شکل مکتوب ارائه می شود اما با نزدیک شدن خردسالان به دوره کودکی و پیدا کردن سواد خواندن و نوشتن، اشعار کودک، ساختاری نوشتاری پیدا می کند و به زبان معیار نوشتاری ارائه می شود. نکته قابل تامل این است که بخش مهمی از اشعار گفتاری در ادبیات کودک الجزایر غالباً برگرفته از فرهنگ عامیانه این کشور است اما اشعار گفتاری در ادبیات کودک ایران با خلاقیت و تلاش شاعران سروده شده و اشعاری که از ادبیات عامیانه وارد ادبیات کودکان شده، اندک است و اغلب در مجموعه شعر- بازی قرار دارد.

مضامین شعری در اشعار کودک دو کشور

در بررسی مضامین اشعار کودک، دو رویکرد وجود دارد. گروهی به بایدها و نبایدهای مضمونی معتقدند. به این معنا که از پیش تعیین می کنند شعر کودک چه مضمونی را باید یا نباید انتقال دهد؛ گروهی نیز بر اساس آنچه تا کنون سروده

شده، مضامین موجود در شعر کودک را دسته بندی کرده‌اند. از آنجا که کودکی ایده‌ای است که بر اساس چارچوب‌های اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان حامل ارزش‌ها و انگیزه‌های نژادی، اخلاقی و اجتماعی، ایفای نقش می‌کند (به نقل از هانت، ۱۳۸۳: ۱۲) و شعر کودک بر خاسته از پیاده سازی این ایفای نقش در طی زمان شکل می‌گیرد، بنابراین مضامین موجود در شعر کودک قابلیت تقسیم بندی دارد و بر اساس تحلیل تقسیم بندی مضامین می‌توان سیر تاثیرات فرهنگی اجتماعی و حتی سیاسی را در آن تخمین زد و پیگیری کرد. بر همین اساس در سال ۱۹۹۹ جریان نسبتاً پایداری به وجود آمد که کوشید ادبیات کودکان را در متن تئوری‌های فرهنگی و ادبی و آموزشی مدرن جای دهد. با این که جریان مذکور، با منتقدین زیادی روبه‌رو گردید، در حال حاضر همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

با این وجود در انتخاب مضامین شعری و انتقال آن به کودکان، گروهی صرفاً سلامت فردی و اجتماعی کودک را در نظر می‌آورند و کودک را فقط کودکی می‌بینند و می‌خواهند که بتواند از سن خود لذت ببرد و بر اساس نیازهای واقعی کودکان شعر خویش را خلق می‌کنند؛ در نتیجه تحلیلگرانی نیز وجود دارند که یافته‌های خویش را در این مسیر جستجو می‌کنند.

به هر روی ما بر اساس مضامینی که به عنوان مصداق در اشعار کودکان موجود است آن را تقسیم بندی می‌کنیم. زرقانی معتقد است که مضامین شعر کودک و نوجوان را می‌توان به موارد زیر تقسیم کرد: اشعار طبیعت‌گرا، سرگرم کننده، سیاسی و اجتماعی، دینی، اشعار آموزشی و علمی، اشعار تربیتی و اخلاقی (زرقانی، ۲: ۱۳۸۶). در اینجا اضافه می‌کنم با توجه به درک و دریافت خردسالان از مفاهیم، شعر خردسال به اندازه بقیه گروه های سنی کودک و نوجوان تحت تاثیرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار نمی‌گیرد و باید در باره این گروه استثناء قائل شد؛ مگر اینکه شاعر، از شعر خردسال استفاده ابزاری کند و در اصل شعر را برای مخاطب تلویحی در نظر بیاورد.

مضامین موجود در اشعار کودک الجزایر با اشعار کودک فارسی تقریباً شباهتی برابر دارد که در محدوده مضامین اجتماعی مانند ارتباطات، نوع و کسب مهارت های زندگی اجتماعی؛ مضامین فرهنگی مانند ملیت، قومیت، دین، و اخلاق؛ مضامین روان شناختی مانند بیان احساسات روحی و مشکلات فردی؛ مضامین علمی - آموزشی؛ مضامین سرگرم کننده و تفریحی و گاه تلفیقی از این مضامین است. هریک از این مضامین می تواند با اهداف آموزش و تربیت همراه شود یا با عملکردی مستقل به طوری که کفه هنری - ادبی آن سنگین تر باشد در شعر کودک ظاهر شود. در ادامه مطلب به نمونه هایی از این اشعار اشاره می کنیم.

مضامین اجتماعی: پذیرش باور حضور کودک به عنوان عضو مستقلی از جامعه است که سبب ورود بسیاری از مضامین اجتماعی مربوط به کودک در شعر شده است. غالب این مضامین مربوط به تجربیات اجتماعی کودکان است. تجربیات زندگی اجتماعی چندان اهمیت دارد که گروهی معتقدند آدمی از آغاز «طفولیت تا خاتمه عمر یک مسیر تکاملی داشته و در هر مرحله از رشد، تجربه اجتماعی او می تواند کیفیت زندگی فرد را دگرگون کند» (احمدی؛ بنی جمالی، ۱۳۸۴: ۱۱۶)؛ لازم است در نظر آوریم که ارائه مضامین اجتماعی در شعر بزرگسال و کودک تفاوت هایی با یکدیگر دارد.

مضامین اجتماعی در شعر خردسال و کودک بسیار محدودتر از مضامینی است که در اشعار اجتماعی بزرگسال مطرح می شود. مضامین اجتماعی در شعر کودک از ابتدایی ترین مفاهیم آغاز می شود. معرفی و توجه به خانواده به عنوان نخستین اجتماع کوچک، روابط اجتماعی با نزدیکان و دوستان، توجه به کودکان، کسب مهارت های زندگی، امنیت اجتماعی و مانند آن جزو مضامین اجتماعی در شعر خردسال و کودک محسوب می شود. حال آنکه در شعر بزرگسال برخی از مضامینی که در بخش فرهنگی یا سیاسی می گنجد مانند وطن پرستی، شهادت، صلح طلبی و مبارزه با استبداد در حیطه مضامین اجتماعی قرار می گیرد یا با مضمون مستقل

سیاسی ترفیق و طرح می‌شود:

أَبِي يَا رَفِيقَ نِضَالِي وَدَرَبِي / لَأَنْتَ الشَّقِيقُ وَأَنْتَ الصَّدِيقُ / عَلَيْكَ السَّلَامَ وَعَيْقَ
الحِزَامِ / وَمَنِي إِلَيْكَ رُكُوعٌ يَلِيقُ / خَلُوقٌ، جَوَادٌ، رَحِيمٌ وَ أَنْتَ / أَصِيلٌ كَرِيمٌ وَ خُرٌّ طَلِيقٌ
أُشْرَى لِي بِأَبَا سَيَّارِهِ / نَلْعَبُ بِهَا وَسَطُ الدَّارِ / نَتَحَكَّمُ فِيهَا بِمَهَارِهِ / وَتَسْلِيئِي طَوْلِ
النَّهَارِ / اتَعَلَّمْتَ نَسُوقَ بَحْدَرٍ / وَاحْتِرَامَ الْقَوَانِينِ ^۷ (بلعواد، ۲۰۰۰: ۴).

در نخستین شعر، کودک علاوه بر توجه به شخصیت پدر، صفاتی مانند دوست، برادر، راستگو، بخشنده و آزاد را به پدرش نسبت می‌دهد. همان چیزهایی که کودک در زندگی اجتماعی‌اش به آن نیازمند است.

در شعر دوم کودک ضمن بیان آرزوی خود، درباره مهارت رانندگی و احترام به قوانین سخن می‌گوید.

أَي دَسْتَه دَسْتَه دَسْتَه / مَامَانِ پِيشَم نَشِسْتَه / اومده از سر کار / باز شده خیلی
خسته... (شعبانی، ۱۳۹۱: ۷۸).

مامان نی‌نی مهربونه / مریض‌ها رو می‌خندونه / روپوش داره، گوشی داره / شب
نمی‌خوابه بیداره / به مریضاش دوا می‌ده / خدا به اونا شفا می‌ده (رحماندوست،
۱۳۸۹: ۱۹).

در گوشه‌ای از شهر تهران / در خانه‌ای کوچک - اجاره‌ای - / یک دخترک با
اشک‌هایش حرف می‌زد / او آرزو داشت / گنجشک‌ها او را ببوسند / پروانه‌ها بر
پیچک مویش بخوابند / گل‌های وحشی / با او بخندند / و شاخه‌های شاد گیلاس
طلایی / بر لاله گوشش ببندند (شعبانی، ۱۳۷۲: ۱۴)

در دو شعر نخست آمده که مادر شاغل است و در شعر دوم علاوه بر شغل به
چگونگی رفتار مادر با دیگران اشاره شده و در شعر سوم معضل فقر و سختی
زندگی در شهر تهران مطرح شده است. در دهه اخیر اشعار اجتماعی بسیاری دیده
می‌شود که با اعتراض نسبت به موقعیت‌های اجتماعی که بزرگسالان برای
کودکان فراهم کرده‌اند، همراه است.

مضامین فرهنگی: فرهنگ به عنوان «عاملی که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد» معنا شده که دربرگیرنده اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاق و رفتار یک جامعه معین است. مضامین فرهنگی در شعر کودک و نوجوان نسبت به دیگر مضامین قوام بیشتری دارد. مضامینی همچون برجسته‌سازی هویت ملی، قومیت، دین و اخلاق انسانی از این شمار است. به چند نمود فرهنگی در شعر کودکان ایرانی و الجزایری اشاره می‌کنیم:

لَقَدْ ذَاقَ شَعْبُ الْجَزَائِرِ قَهْرًا / وَلَكِنَّهُ صَيَّرَ النَّارَ نُورًا / سَيَأْتِيكَ الْأُوْرَاسُ شِبْلًا
وَنَسْرًا / لِيَزْرَعَ فِي كُلِّ تَلٍّ زُهْرًا / غَدًا يَا فِلِسْطِينُ تَأْتِي الطُّيُورُ^۹ (حرزالله، ۲۰۰۳: ۶۹)
قلت: يَا حَمَامَهْ / فِي السَّرْعَةِ النَّدَامَهْ / بِلَاذْنَا كَرِيمَهْ / خَيْرَاتَهَا عَمِيمَهْ / فَرَفَرَفَتْ
وَجَالَتْ / وَابْتَسَمَتْ وَقَالَتْ / يَا سَيِّدِي الْكَرِيمَا / يَا جَارَتَا الْقَدِيمَا / أَنَا أَحَبُّ مَوْطِنِي /
وَأُسْرَتِي وَمَسْكَنِي ..^۹ (بدور، ۱۹۹۲: ۲۰).

بِلاَدُ الْمُسْلِمِينَ لَنَا / جَمِيعٌ كُلُّهَا وَطَنٌ / تَوْحَدُ بَيْنَنَا الْأَمَالُ / وَالْأَلَامُ وَالْمَحْنُ / بَرِغْمُ
الْبَعْدِ يَا أَطْفَالَ / اغْنُوا كُلَّنَا جَسَدًا / زَمَانُ الْفَتْحِ نَحْيِيهِ / وَبِالْأُرُوحِ نَفْدِيهِ / كَتَابُ اللَّهِ فِي
يَدِنَا / خُلُودُ كُلِّ مَا فِيهِ / نَبِيُّ اللَّهِ قَائِدُنَا / وَحُكْمُ اللَّهِ هَادِينَا^{۱۰} (غماری، ۲۰۰۳: ۱۳)
أَدْبَنِي رَبِّي / فَأَحْسِنِ التَّادِيْبَا / وَالْمُرْسَلِ النَّبِي / هَذِبْنِي تَهْدِيْبَا^{۱۱} (طاهری، ۱۹۹۲: ۵).
در شعر نخست علاوه بر تاکید بر هویت قومی و فرهنگ دینی نیز نمایان
است. در شعر دوم بر هویت ملی و در شعر سوم بر هویت دینی مشترک تاکید شده
است. شعر چهارم نیز برشی از اعتقادات دینی است.

ما گل‌های خندانیم / فرزندان ایرانیم / ایران پاک خود را / مانند جان می‌دانیم / ما
باید دانا باشیم / هشیار و بینا باشیم / از بهر حفظ ایران / باید توانا باشیم / آباد
باش ای ایران / آزاد باش ای ایران / از ما فرزندان خود / دلشاد باش ای ایران (شعبانی
نقل از یمینی شریف، ۱۳۹۱: ۹۷).

هنبونه آی هنبونه / شهر خوبم کرمونه / شب داره پر ستاره / پسته و خرما داره /
قاووت داره باقالی / مس داره خیلی عالی / هر کی بیاد به کرمون / بر نمی‌گرده

تهرون (همان: ۱۰۰).

پنج تا پرنده/ توی باغ داریم/ بیا آنها را/ با هم بشماریم/ اولی توحید/ دوم عدل
و داد/ پس از نبوت/ امامت معاد/ این پرنده ها اصول دینند/ همه خوش آواز/ همه
رنگینند (شعبانی، ۱۳۹۱: ۲۸۰).

ای امام هشتم. تو چقدر خوشبویی/ مادرم می گوید/ ضامن آهوئی (همان:
۲۷۸).

در شعر نخست تاکید بر هویت ملی است. در شعر دوم قومیت به شکل مستقل
 مطرح و در شعر سوم به اصول دین جدا از ملیت و قومیت اشاره شده است. شعر
چهارم معرفی معصوم است.

در بیان هویت قومی و ملی، شعر کودک عربی، غنی تر از شعر کودک فارسی
 است و مصادیق بیشتری دارد. در بخش بیان مسائل اخلاقی و انسانی، شاعران هر
 دو کشور مشابه عمل کرده اند؛ به علاوه در اشعار دینی الجزایر شاعران در باره
 خداوند، پیامبر اکرم و اعیاد مسلمین شعر سروده اند و در کنار آن غالباً به قومیت
 عرب نیز اشاراتی داشته اند. علت این توجه کتاب مقدس و زبان مشترک قوم عرب
 است. در اشعار فارسی شاعران به اصول و فروع دین، معرفی شخصیت های دینی،
 احکام و مراسم مذهبی پرداخته اند و مسائل دینی دخل و تصرف چندانی در اشعار
 قومی ندارد. اشعار قومی در کشور ایران اخص از اشعار ملی است اما در الجزایر
 اشعار قومی، اعم بر اشعار ملی این کشور است.

مضامین روانشناختی: ابراز همدلی و صمیمیت، درک متقابل، عشق و
 دوستی، رضایت از وضعیت موجود، بیان ترس و شادی، نیاز به آزادی، نوازش و
 آرامش گاه با زبان شعر به سهولت انجام می گیرد. کودک حتی از شنیدن آن لذت
 می برد یا حس او اقناع می شود. برای نمونه محبت، نیاز اساسی و ضروری کودک
 است و توجه به این حس، موجب شادابی و نشاط روحی کودک می شود. بعضی
 نیازها به روحیه شخصی کودک برمی گردد و همین قدر که ذهنش نسبت به خود

راضی باشد ذهن او احساس آرامش می‌کند. در مقابل اختلاف والدین و بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در اطراف کودک رخ می‌دهد او را آشفته می‌کند. این احساسات در اشعار کودک انعکاس یافته است و شاعران با زبان ملایم تری در این باره شعر سروده‌اند.

أعود فی المساء / أرتبُ دفاتری / أجلسُ فی الفناء / وأکتبُ خواطری / عن عطلةِ
الأسبوع / عن کلِّ الزملاء^{۱۲} (معاش، ۲۰۰۴: ۲۵).

خدای من کمک کن / بابام بیاد دوباره / مامان بدون بابا / خنده به لب نداره
(رحماندوست، ۱۳۹۰: ۷).

مامان از ترس لولو / کوچولو شد، کوچولو / بابای ترسو، مامان ترسو / از ترس لولو /
هر دو تا شدند / خیلی کوچولو / دویند رفتند / تو سوراخ موش / موش بازیگوش
(همان، ۱۳۸۹: ۴).

در شعر کودک فارسی با واژه‌های ترس، لولو و رفتن خنده از لب، نسبت به اشعار عربی الجزایر، بیشتر به مضامین روان‌شناختی پرداخته شده است.

مضامین علمی - آموزشی: گروهی معتقدند که ادبیات کودک در ماهیت، آموزشی است (خسرونژاد، ۱۳۸۲: ۳۲) با اینکه این جمله نمی‌تواند در تمام بخش‌های ادبیات کودک مصداق داشته باشد، در این بخش اشعاری را انتخاب کرده‌ایم که هدف از سرودن آن صرفاً علمی - آموزشی بوده است.

لا تفسدوا الأشجارَ / یا معشرَ الأطفالِ / تمدننا لا ثمار / ونعمة الظلال ۱۳ (خوانی،
۲۰۰۸: ۲۶۴).

زیاد نخور شیرینی / خراب می‌شه دندونان / ببین مامان چی می‌گه / گوش کن
به حرف بابات (کشاورز، ۱۳۸۲: ۸).

هزای پایی امّا / هزار پا نداری / تن تو بند بند است / شبیه یک قطاری / ولی تو
نرم و آرام / همیشه می‌روی راه / برای آن که داری / تو چند پای کوتاه / هنوز جای
پایت / به روی ماسه پیداست / شبیه راه آهن / دو خط صاف و زیباست / تو می‌روی

گمانم / به سوی ایستگاهت / که تا کنی در آنجا / کمی هم استراحت (پوروهاب، ۱۳۸۴: ۱۲).

پیام های علمی - آموزشی در این اشعار معمولا مستقیم هستند و اطلاعات علمی در اختیار مخاطب می گذارند. در شعر عربی مستقیما کودکان را از آسیب زدن به درخت منع می کند و می گوید درختان برای ما سایه ایجاد می کنند و میوه می دهند. شعر دوم درباره ارتباط خوردن شیرینی و خراب شدن دندان است و شعر سوم درباره نام هزار پا و اینکه دقیقا هزار پا ندارد به کودک اطلاعات علمی داده می شود. این گونه اشعار مختص خردسالان است و در هر شعر هر دو کشور کاربرد دارد.

مضامین سرگرم کننده : کودک گاه به شعر به عنوان ابزار بازی نگاه می کند و صرفا از شنیدن آن حظ می برد. او در این باره نیاز ندارد که با خرد خود مخلوقات شاعر را در زندگی طبیعی بازیابی کند و فقط می خواهد از یک تصویر و تصور ذهنی لذت ببرد و با استفاده از ریتم و آهنگ به بازی پردازد. این نوع از اشعار معمولا با حرکت فیزیکی خردسالان و کودکان همراه می شوند و غالبا ساختاری روایتی دارند یا هیچانه و گاه با طنز همراه هستند. مثل های فارسی از ساختارهای قدیمی به شمار می آید که صرفا مضمونی سرگرم کننده داشته و دارد. اکثر اشعار سرگرم کننده از ادبیات فولکلور به ادبیات مکتوب و رسمی کودکان راه پیدا است.

در اشعار الجزایری نیز چنین نگاهی وجود دارد. به یکی از این نمونه ها که مربوط به بازی با انگشتان می شود، اشاره می کنیم این اشعار راویان شفاهی دارد و به صورت سینه به سینه نقل شده است:

الخنصر: هَذَا صَابٌ بِيضُهُ / الْبِنَصْر: هَذَا غُسْلُهَا / الْوَسْطَى: هَذَا طَبِيبُهَا / السَّبَابَةُ: هَذَا قَسْمُهَا / الْإِبْهَام: دَقْوُونِي وَلَا نَخْبِرْ جَدَاتِي (همان).

عَرَجٌ تَرَّ الطَّبِيعَةُ / فِي مَوْطِنِي بَدِيعَةٌ / تَرَّ الْجِبَالُ الشَّاهِقَهُ / تَرَّ السُّهُولَ

الشَّائِقَةَ/وَالشَّاطِطِيَّ الدَّفَاقَا/وَالجَدُولِ الرَّقْرَاقَا/وَالرَّوْضَ وَالْبُسْتَانَ/ مُزْدَهْرَا أَلْوَانَا/وَالنَّخْلَةَ
السَّمْرَا/تَزْهِي بِهَاالصَّحْرَا/ رَقَّتْ حَوَاضِرُنَا/ رَاقَتْ بَوَادِينَا/ بِالْحَبِّ وَالْأَفْرَاحِ/ يَلْقَاك
وَادِينَا^{۱۴} (الغماری، ۲۰۰۳: ۱۰).

لی لی حوضک / موشه اومد آب بخوره / افتاد تو حوضک / اولی گفت: درش
بیاریم / دومی گفت: نردبون بیاریم / سومی گفت: بکشیمش / چهارمی گفت: جواب
مردم (خدا) را کی می ده؟ / پنجمی گفت: من من کله گنده.

الک و دولک / جست می زنه خانم بزک / سم به زمین، شاخ به هواست /
مامان جون بزغاله هاست / با این دوتا شاخ بزرگ / کجا می ره؟ به جنگ گرگ
(شعبان نژاد، ۱۳۸۹: ۳).

در شعر - بازی های هر دو کشور نمونه های بسیاری به زبان گفتاری وجود دارد.
در بررسی تطابقی اشعار به چند مورد رسیدیم که برگرفته از ادبیات عامیانه بود و
تقریباً در فرم و انتخاب کلمات این نمونه ها بسیار به یکدیگر نزدیک بودند

نتیجه:

در این مقاله با در نظر گرفتن حوزه ادبیات کودک، اشعاری را که توسط شاعران
ایرانی و الجزایری برای خردسالان و کودکان سروده شده از سه منظر قالب
شعری، زبان و مضمون مورد قیاس قرار دادیم. یافته ها نشان می دهد که شاعران
ایرانی از قالب های خاصی برای سرودن شعر کودک استفاده کرده اند که
پرکاربردترین آنها قالب چهارپاره است. شاعران الجزایری در سرودن اشعار کودک،
خود را مقید به کاربرد قالب مخصوص نکرده اند اما در کلیت، کاربرد قالب قصیده
بیش از دیگر قالب های شعری بوده است. به علاوه در شعر کودک هر دو کشور
ساختار شکنی و ابداع قالب دیده می شود. در بخش زبان شعر، شاعران هر دو
کشور، زبان گفتاری و نوشتاری را در سرودن شعر به کار گرفته اند با این تفاوت که
در کشور ایران، اشعار با زبان گفتاری غالباً برای خردسالان سروده شده و برخاسته

از خلاقیت ذهنی شاعران است اما در الجزایر بخش قابل ملاحظه‌ای از این اشعار برای کودکان با توانش خواندن بهتر، سروده شده و ادبیات شفاهی و عامیانه نفوذ چشمگیری در شعر کودکان داشته است. در قسمت کاربرد ها و قیاس مضامین در شعر کودک، مضامین نزدیک و مشترکی میان اشعار کودک هر دو کشور وجود دارد که پرکاربردترین آن مضامین اجتماعی و فرهنگی است. در بخش فرهنگی تفاوت‌هایی میان مفاهیم موجود در اشعار دو کشور وجود دارد. به علاوه در کشور الجزایر به مضمون روان‌شناختی در شعر کودک کمتر توجه شده است.

پانویس:

- ۱- کیفم باغی خوشبو است و جنگلی پر از میوه دانش دارد و بهشتی پر از معجزه. باران‌هایی خوشبو از ترانه دارد. کیفم زیباست، عزیز و گران‌بهاست.
- ۲- بیاموز، بیاموز، بیاموز، عصر تو عصر دانش است و هر کس به دانش دست یابد به نیکی نشان می‌شود.
- ۳- آموزگارم. ای بهترین لحن در کامم. ای بهترین کسی که مرا آموختی. دانش افزون است. او به کمک قلم، مرا چیزهایی آموخت که نمی‌دانستم. به من عشق به دیگران را آموخت و صداقت در گفتار را.
- ۴- ای فرزند بهترین انسان‌ها و ای فرزند کسی که تاریکی را نابود کرد. ای فرزند عشق و درود تو نوری برای مسلمانان، تو پاکی برای درماندگان. ای کسی که نورش همه جا را فراگرفت.
- ۵- ای مادر بزرگ ای مظهر نیکی چه کسی مهتر را جز من در می‌یابد پیوسته زیباترین ترانه‌ای زبان در کل روزگاری برایم بهترین داستان‌های گذشته را بگو از حیوانات جنگل و پرندگان.
- ۶- شنبه آواز و یکشنبه بالندگی و دوشنبه هر دو و سه شنبه استراحت و چهارشنبه تفریح و پنج‌شنبه و جمعه عید مسلمانان است.
- ۷- آیا پدر برایم ماشین می‌خرد تا میان خانه با آن بازی کنم و محکم فرمانش را بگیرم و در طول روز با آن شاد باشم. آیا می‌دانی باید با احتیاط رانندگی کنیم و به قوانین احترام بگذاریم.
- ۸- مردم الجزایر رنج بسیار دیده‌اند ولی این سختی راهنمایان به سوی نور بوده است. پرندگان

- کوچک و عقاب‌ها در انتظار تو اند تا در خاک، گل بکارند. ای فلسطین فردا پرندگان خواهند آمد.
- ۹- گفتم ای کبوتر خوش پرواز، سرزمین ما عزیز است، برکت‌های بی‌شماری دارد. کبوتر بال‌هایش را تکان داد و دوری زد، خندید و گفت: ای بزرگوار وای همسایه قدیمی! من وطنم را دوست دارم و خانواده‌ام را و محل سکونت‌م را.
- ۱۰- سرزمین مسلمانان از آن ماست و تمامش وطنمان است. آرزوهایمان یکی است همان‌طور که دردها و سختی‌هایمان یکی است. با وجود دوری ما کودکان از یکدیگر، همگی باهم برای پیروزی آواز سر می‌دهیم و جانمان را فدایش می‌کنیم. قرآن در دستمان است کتابی که جاودانگی به‌تمامی در آن است. پیامبر خدا رهبرمان و دستور الهی راهنمای ماست.
- ۱۱- خداوند مرا به بهترین وجه تربیت کرد و رسول مرا تهذیب کرد.
- ۱۲- غروب برمی‌گردم. دفتر‌هایم را مرتب می‌کنم و می‌نشینم در درگاه و خاطراتم را می‌نویسم از تعطیلات هفته و از تمام همکلاسی‌ها.
- ۱۳- بچه‌ها به درخت‌ها آسیب نرسانید. درخت‌ها به ما میوه می‌دهند و سایه می‌اندازند.
- ۱۴- پرواز کن تا در سرزمین زیبای من، طبیعت را ببینی و کوه‌های بلند، دشت‌های بزرگ و ساحلی کنار دریاست و نه‌رهای باریک و باغ‌ها و بستان‌هایی که با گل‌های رنگارنگ آراسته شده و نخل‌های پرشکوفه را ببینی که چگونه صحرا را زیبا می‌کنند. تمدن ما زیباست و صحراهایمان دل‌انگیز. با عشق و شادی، دشت‌هایمان به دیدارت می‌آیند.

منابع

- أبوالرضا، سعد، (بی تا)، النص الأدبی للأطفال، أهدافه ومصادره وسماته رؤیة إسلامیة، الإسكندریة: منشأة المعارف.
- احمدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات، (۱۳۸۴)، روان‌شناسی رشد، تهران: پردیس.
- انوشیروانی، علی رضا، (۱۳۸۹)، «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی، بهار، شماره ۱ صص ۷-۳۳.
- باویه، صلاح الدین، (۱۹۸۱)، أحب أمی وأبی، دیوان مخطوط، (بی جا).
- بدور، خضر، (۱۹۹۲)، انعام الطفولة، الجزایر: دار الهدی.
- برغیش، محمد حسن، (۱۹۹۷)، أدب الأطفال، أهدافه وسماته، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- بلعواد، سعد، (۲۰۰۰)، جریة الأحرار الصغار، افریل. العدد ۹۴.

- پوروهاب، محمود، (۱۳۸۴)، *درخت خانه ی ما*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- جلالی، مریم، (۱۳۹۳)، شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان، تهران: طراوت.
- حرزالله، بوزید، (۲۰۰۳)، *علمتني بلادی، الجزایر: منشورات اتحاد الكتاب الجزائريين*.
- خسرو نژاد، مرتضی، (۱۳۸۲)، *معصومیت و تجربه، تهران: مرکز*.
- خوانی، الزهراء، (۲۰۰۸)، «أدب الأطفال فی الجزایر دراسة لأشکالها وأنماطها بین الفصحی والعامیة ۱۹۹۰-۲۰۰۴»، *شهادة الدكتوراه فی الادب الشعبي، جامعه تلمسان - بلقايد أبی بکر*.
- دواس، احسن. *أهازيج الفرح، الموقع الإلكتروني*. (www.adabatfal.com).
- رحماندوست، مصطفی، (۱۳۹۰)، *ترانه‌های نیایش*، تهران: انتشارات افق.
- _____، (۱۳۸۹)، *ترانه‌های نوازش*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____، (۱۳۷۶)، *چشمه نور*، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____، (۱۳۶۸)، *زیباتر از بهار*، تهران: مدرسه.
- ریح، یوسف، (۱۹۹۶)، *دیوان أناشید وطنية، الجزایر: دار هومه للطباعة و النشر والتوزيع*.
- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۶)، «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد»، *مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، شماره ۱۵۹.
- زلط، أحمد، (۱۹۹۰)، *أدب الطفولة، أصوله، ومفاهیمه، ورواده*، مصر: الشركة العربية للنشر والتوزيع.
- سعیدی، محمد، (۱۹۹۸)، *الأدب الشعبي بین النظرية والتطبيق، الجزایر: دیوان المطبوعات الجامعية*.
- شعبان نژاد، افسانه، (۱۳۸۹)، *الک و دولک خانم بزک*، تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، اسدالله، (۱۳۹۱)، *خرمن شعر خردسالان*، تهران: توکا.
- _____، (۱۳۷۲)، *پروانه و گل سر*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____، (۱۳۷۹)، *عصا و اسب چوبی*، تهران: نشر فردا.
- الطاهری، جمال، (۱۹۹۲)، *الزهور، الجزایر: دار الحضاره*.
- الغماری، محمد، (۲۰۰۳)، *حديقة الأشعار، الجزایر: دار مدنی*.
- قاسم نیا، شکوه، (۱۳۷۷)، *تصویرگر: نیلوفر میر محمدی*، تهران: افق.
- قرانی، محمد، (۲۰۰۳)، *قصائد الاطفال فی سوریه*، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.

- کامرانی، سید محمد، علیرضا رحیمی، (۱۳۸۶)، هدیه‌های آسمان دوم دبستان، تهران: نشر کتاب‌های درسی.
- کشاورز، ناصر، (۱۳۸۲)، بچه‌های جورواجور، تهران: قدیانی.
- _____ (۱۳۸۶)، آسمان دریا شد، تهران: قدیانی.
- معاش، ناصر، (۲۰۰۴)، أناشید للعلم والأمل، الجزایر: دار البدر.
- هانت، پیتر، (۱۳۸۳)، دیدگاه‌های نظری و انتقادی در ادبیات کودکان، ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم‌آبادی، تهران: انتشارات آرون.
- یونیسف، (۱۳۸۳)، پیمان نامه جهانی کودک، تهران: نمایندگی یونیسف.
- Fox, G, (1995) Celebrating Children's Literature in Education, London: Hodder and Stoughton.
- Gamble, N, Yates, S (2002). Exploring children's literature: Teaching the language and reading of fiction. London: Paul Chapman Publishing.